

ایران گیت



■ ماجرای مکفارلین
■ عباس شادلو

کتاب «ایران گیت، ماجرای مکفارلین»، به ماجرای رسوایی آمریکا و فروش مخفیانه تسلیحات به ایران در ۱۳۶۴ می‌پردازد که در زمان ریاست‌جمهوری ریگان اتفاق افتاد. قضیه دیپلماسی پنهان ایران برای تامین سلاح مورد نیاز جنگ از طریق آمریکا که به قضیه «مکفارلین» معروف شد، یکی از معدود تلاش‌های جریان عمل‌گرای درون حاکمیت برای برقراری رابطه با آمریکا و استفاده از فرصت به‌دست‌آمده برای تامین منافع کشور در جنگ بود.

قمار



■ پرونده ایران کنتررا
■ سید محمد مهدی دزفولی

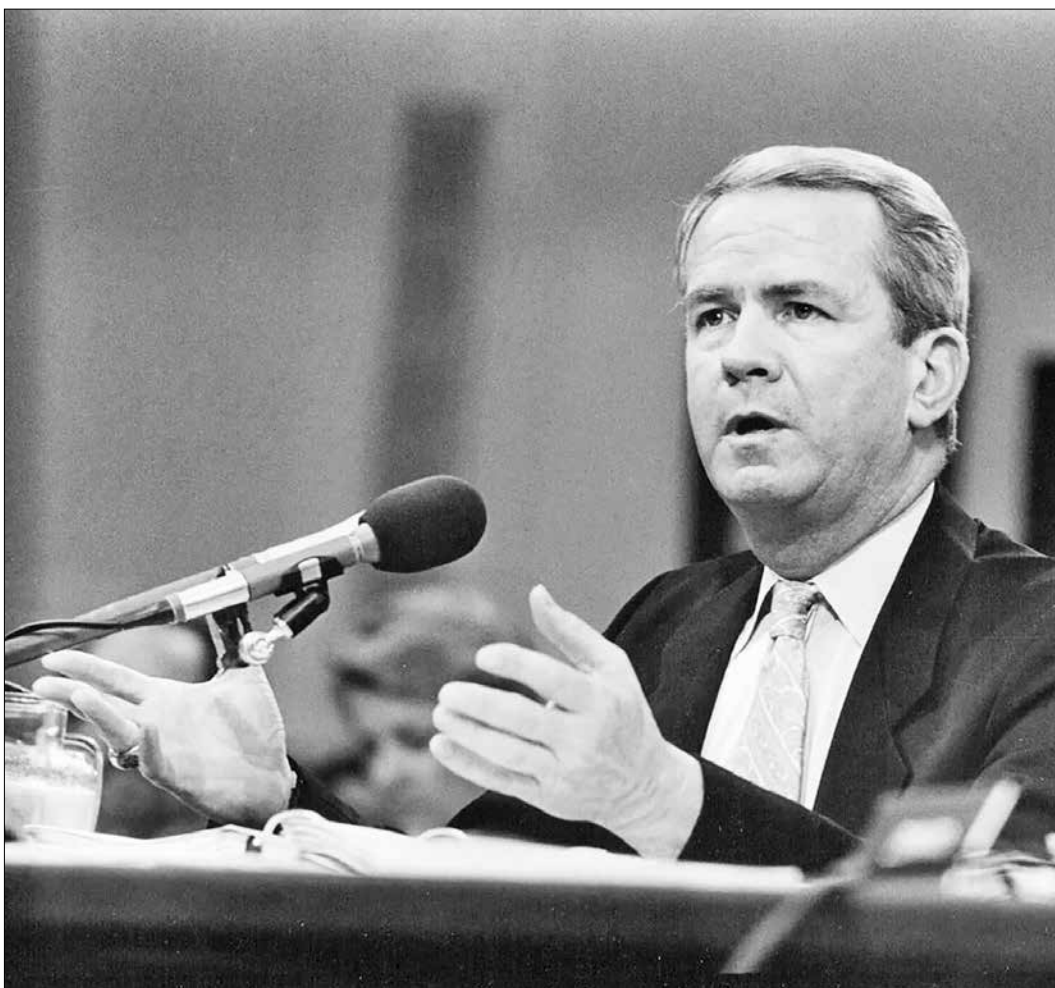
فرازونشیب‌های رابطه ایران و آمریکا بعد از انقلاب گواه آن است که پیچیدگی‌های روابط میان این دو کشور، به‌حدی است که مسائل به‌سادگی حل نمی‌شوند و با مرور زمان، پیچیده‌تر هم می‌شوند. اولین برخورد جدی سیاسی میان ایران و آمریکا پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران، ماجرای سفر رابرت مکفارلین، معاون رونالد ریگان به تهران در سال ۱۳۶۵ بود.

روزشمار جنگ ایران و عراق



■ ماجرای مکفارلین
■ مهدی انصاری،
■ یحیی فوزی، علی‌رضا
لطف‌الله زادگان

کتاب، در مقدمه به تشریح عملیات سرنوشت‌ساز کربلای ۴، با استراتژی جلوگیری از آرمش دشمن پرداخته و پس از آن اطلاعات رویدادها را به ترتیب روز، به صورت مقاله یا فصل ارائه می‌دهد. برخی از مهم‌ترین موضوع‌های این دوره عبارتند از: «عملیات کربلای ۴، هماهنگ کردن معارضان عراقی، پشتیبانی عراق از گروه‌های ضدانقلاب، حملات هوایی عراق به شهرها، شلیک موشک‌های دوربرد از سوی ایران، حمله به نفت‌کش‌های حامل نفت ایران و افشای ماجرای آمدن مکفارلین به ایران».



جنگ در ایران، بحران در آمریکا

بحران ایران گیت با نگاهی به کتاب **مکفارلین** نوشته محسن هاشمی

اگرچه هدف از این سفر در ظاهر حل مسأله گروگان‌ها و فروش سلاح به ایران بود، اما بسیاری معتقدند که مکفارلین با این سفر به دنبال نزدیک شدن به ایران بود، چراکه آمریکا هراس داشت ایران به شوری نزدیک شود؛ از این رو مکفارلین به دنبال این بود که با مقامات ایرانی از جمله آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی دیدار و گفت‌وگو کند.

مکفارلین سه یا پنج روز در تهران ماند. هاشمی گفته است: «پنج روز این‌ها این‌جا به‌صورت توقیف در هتل ماندند و وحشت این‌ها را گرفته بود.» اما او وقتی از دیدار با مقامات ارشد کشورمان ناامید شد، سوار بر هواپیمایش شد و به آمریکا برگشت. البته مکفارلین با کنگرلو (مشاور نخست‌وزیر)، هادی نجف‌آبادی (نماینده مجلس) و وردی‌نژاد (نماینده سپاه) دیدار و گفت‌وگو کرد، اما او برای دیدار با آن افراد به تهران نیامده بود. سطح افراد ملاقات‌کننده برای او رضایت‌بخش نبود و مکفارلین می‌خواست با مقامات ارشد دیدار کند.

آزادی‌گروگان‌های آمریکایی در لبنان می‌خواستند دولت را حفظ کنند. این فرضیه را «محسن کنگرلو» یکی از اعضای تیم ایرانی در ماجرای مکفارلین که سال ۹۸ درگذشت، مطرح کرده و گفته است: «انتخابات آمریکا نزدیک بود و جمهوری خواهان می‌خواستند بر دموکرات‌ها پیروز شوند، تصور می‌کردند اگر به‌هرشکلی مسأله گروگان‌ها را به‌سرعت حل کنند، پیروزی‌شان تضمین شده است.» اما افشای ماجرای مکفارلین به رسوایی بزرگی برای دولت ریگان تبدیل شد. مکفارلین خردادماه سال ۶۵ (۱۹۸۶) به‌عنوان فرستاده ویژه ریگان همراه با هدایایی همچون کیک شکلاتی، کلت و مقداری تجهیزات، همراه با یک هواپیمای اختصاصی که گفته می‌شد مخصوص حمل سلاح بود، با پاسپورت ایرلندی همراه با چهار نفر به ایران سفر کرد (گفته می‌شود مکفارلین انجیلی از ریگان به ایران آورد، اما انجیل را فرد دیگری به ایران آورد). او پس از ورود به تهران همراه با آن چهار نفر برای اقامت به هتلی در تهران برده شدند.

علی محمودی روزنامه‌نگار

ماجرای مکفارلین حدود یک‌سال و نیم و از تابستان ۱۳۶۴ تا اسفند ۱۳۶۵ در دور دوم ریاست‌جمهوری ریگان به‌طول انجامید. این ماجرا بین سه کشور ایران، آمریکا و نیکاراگوئه رخ داد؛ بدین ترتیب که قرار بود آمریکا مابه‌ازای آزادی گروگان‌هایش در لبنان، تسلیحاتی را که ایران نیاز داشت، به ایران بفروشد و پس از دریافت پول آن، بودجه شورشیان (کنتررا) علیه دولت نیکاراگوئه را تامین کند. این اقدام دولت ریگان بدون اطلاع کنگره انجام گرفت. کنگره، ایران را تحریم تسلیحاتی کرده بود و هرگونه کمک به کنتررا را هم ممنوع دانسته بود، ضمن اینکه این مذاکرات خارج از چارچوب وزارت امور خارجه آمریکا و به‌صورت مخفیانه صورت گرفت؛ برخی آن را در ارتباط با انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آمریکا دانسته‌اند که جمهوری خواهان با